آذربایجان

مدیر : ع . شبستری سر دبیر : ا . شمس عنوان تلگرافی نامهٔ آذربایجان جای اداره : خیابان توپخانه . روبروی بازار (موقتاً)	اداره در حك و اصلاح ودرج مقالات وارده آزاد و مختار است وجه آبونمان : سالیانه ۵۰ ریال ششماهه ۳۰ ریال

بهاء اعلانات : صفحه ۲ ـ ۲ ریال صفحه ۳ ـ ۱/۵ ریال

بهاء تك شماره : ۵۰ دینار بعد از یکروز یکریال

شنبه ۱۰ آبان ماه | (ناشر افکار جمعیت آذربایجان) | شماره ۱ سال ۱۳۲۰

وزنامهٔ آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف یك جمعیت و برای رساندن مرام ومنظور او بجامعه در آذربایجان منتشر میشود
وزنامهٔ آذربایجان سعی دارد : اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده ـ علل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص داده ـ و در مرحلهٔ سوم راه چارهٔ عملی برای رفع فشار های اقتصادی واصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کنند.

راه نامهٔ آذربایجان

هالی این آب وخاك را مژده باد که طوفان ناگهان حادثات ابراستبداد را از افق این سرزمین دور نموده و تارهٔ آزادی در آسمان مطبوعات درخشید. گذشت آن روزهائیکه مجلات وروزنامه‌ها بجای تنویرافکار جامعه ودرج تقاضای ملت مانند شعراء وندمای چندصد سال پیش اوقات خود را در مداحی این زیر وخوش آمد گفتن بآن رئیس صرف نوده چاپلوسی و تملق را بحد اعلای ود میرساندند. اکنون برماست که پرده از روی حقیقت بر داشته آنچه بایستی گفت بگوئیم ورامراستکاری را پیش گیریم.

از شما انصاف میطلبم آیاچه چیز ود که باعث بیچارگی ما شده وما را این روز سیاه گرفتار نمود ؟ این نبود که دانشمندان وبزرگان ما خوب رابد لوه داده وبد را خوب قلمداد نمودند؟ ین نبود که مخالف آنچه میدانستیم بیان کردیم و برای اینکه ریزه خوار خوان ائنین شده واز نمدی که آنان میبردند کلاهی نیز بما برسد. با ظاهر سازیهای وام فریب ملت بیچاره را دچار غفلت ودیم سهل است که تظاهرات را باندازهٔ ساندیم که خود را نیز دچار اشتباه کرده ودروغ را راست پنداشتیم ؟ در ورتیکه آنانکه از خارج ناظر اعمال بودند لکن عروسك بازیهای مارا می بدند وبا قهقهه بما میخندیدند ! .

ما آشکارا میگوئیم که ملت وافراد جامعه تقصیری ندارد . تقصیر شخاصی متوجه است که خودراروشن‌فکر و راهنمای ملت معرفی نموده شب روز تعبیر کرده وظلمت را نورمعنی دند ! دیگرگان شبان نما بقدری ملت را بین نموده وترسانده اند که رشتهٔ تفکر نتقل از دست آنان رفته و از سایهٔ ود نیز رم میخورند ! .

ای برادران [illegible] کی ! بس است این پرده پوشی ها یکچند دیو زبان بحق گوئی بگشائید واین ملت بدبخت را از آوارگی خلاصی دهید .

نامهٔ آذربایجان که به مساعدت **جمعیت آذربایجان** در افق مطبوعات پدیدار گردیده همان دهان حق گو است که میخواهد حقایق را آشکار کرده و معایب را شرح دهد ـ حرفهای اور ابه چشم غرض نگاه نکنید که نیش آن نوش بوده دردهای شمار را شفا میبخشد .

راه نامهٔ آذربایجان این است که خود را آئینه وضع و افکار جامعه و احتیاجات روزانهٔ ملت قرار داده درهدایت وتنویر افکار آن بکوشد تابتواند بقدر امکان و قوهٔ خویش شاهراه ترقی را بجامعه نشان داده موانعی را که پیش پای ملت گذارده شده برطرف نمایند .

البته هموطنان محترم میدانند که جمعیت ونامهٔ ما چه وقت ودر چه آن قدم بمیدان جدال میگذارد. چه حالا وقتی است که رشتهٔ انتظامات ملت ازهم گسیخته و شالوده های غلطی که در عرض هفده سال پیش ریخته شده بود باز بجای خود باقیست .

حکومت سابق جزچپاول وغارت ـ فلج کردن تجارت وانحصار منابع ثروت باسم اصلاحات و تعقیب سیاست اقتصاد ملی منظوری نداشت واستبداد مطلقه را حکومت مشروطه اسم گذارده وقوای سه گانه را آلت دست خود قرار داده بود

قوه قضائیه ازخود اختیاری نداشته ازطرفی قوانین و بخشنامه های ناقص وناقض وازطرف دیگر دستورهای سری ملوکانه که دستگاه دربار ازآنها روزی هزارها بیرون میداد دست وپای آنرا محکم بسته بود .

قوه مقننه که جزماشینی برای بیرون دادن قوانین سفارشی نبوده است مفاد گفته حافظ(هرچه استاد ازل گفت من آن میگویم) راعمل مینمود .

قوه مجریه هم محتاج بتوضیح نیست و در حقیقت اساس ومنبع این دو قوه بوده است..!

این بود نتیجه عملیات ۱۷ ساله حکومت (جیب من ومعدودی) که سرپرست آن رفته وملت را با یکدنیا درهم ریختگی و آوارگی با غولهای فقر و گرسنگی دست بگریبان گذاشت .

البته تصدیق خواهند فرمود که دراین موقع چقدرفکر ـ انرژی وفداکاری لازم است تا آن آثار را پایمال نموده بجای آن تشکیلاتی که موافق صرفه و صلاح باشد برقرار سازد .

اگرچه جمعیت و نامه آذربایجان خود را برای اصلاح چنین ملتی وقف وآماده نموده و این بار بسیار سنگین را بردوش گرفته است درعین حال محتاج مساعدت است و علاقه مندان ملت و اشخاصی را که جامعه می‌تواند درمان دردهای خودرا درافکار آنان پیدانماید دعوت نموده میگوید : نامه و جمعیت آذربایجان وسایر هموطنان تان انتظار یاری ازشما دارند . دریابید تادست بهم داده بتوانید این کشتی شکسته را بساحل نجات برسانید .

اخطار بو کلای آذربایجان

وکلای آذربایجان ؛ ازآنجائیکه شما از یادگاریهای دوره منحوس پهلوی بوده وزمانی کرسیهای مقدس نمایندگی را اشغال نموده اید که ملت از خود اختاری نداشته ونمی‌توانست نمایندگان قانونی خودرا انتخاب کند جمعیت آذربایجان عدم اعتماد خود را نسبت بشما اعلام داشته کلیه تصمیم و تصویب شمارا خالی ازاعتبار میداند وانتظار دارد هرچه زودتر با مراعات اصول مشروطیت صحیح تجدید انتخابات شود .

دقت

راجع بعفو مقصرین سیاسی وکیفیت آزادی آنان که آیا حقیقة آزاد شده ویا نشده‌اند ودرصورت آزادی بجاهای مخصوص تبعید شده ویامختارند بهر مکان وشهریکه بخواهند بروند درآتیه تحقیق ومفصلا خواهیم نگاشت

شاد باش

همقلم محترم ما مدیر روز نامه شاهین درشماره گذشته خود اسمی از روزنامه آذربایجان برده وشادباش گفته‌اند مانیز درنوبه خود ازایشان سپاس گزاری‌نموده موفقیت آن‌همکار محترم رادر کوشش درراه وطن وملت‌خواستاریم وامیدواریم با انجام وظیفه مقدسی که جمعیت آذربایجان وروز نامه ما بعهده گرفته است بتوانیم در اصلاح جامعه با ایشان همکاری نمائیم

قابل توجه جناب آقای استاندار استان سوم

بقرار اطلاع واصله محصول گندم قسمت شرقی آذربایجان در بستان آباد متمرکز شده و هر روز مرتباً بوسیلهٔ کامیونها بتهران حمل میشود . البته هیچ کس نمیتواند مانع این بشود که یکنفر زارع یامالك محصول خودرا که حاصل یکسال زحمت و سرمایه خود میباشد نفروشد بلکه چیزیکه قابل تذکر میباشد اینست که آذربایجان خود محتاج گندم میباشد. حال که جناب آقای استاندار تصمیم به‌اصلاح خراب‌کاریهای گذشته گرفته‌اند مقتضی است که با درنظر گرفتن وضعیت نان شهر تبریز درسال گذشته وشش‌ماهه اول سال جاری قدغن اکید فرمایند مادامیکه آذوقه شهر تبریز ازحیث گندم وآرد وغیره برای یکسال تمام یعنی تا موقع بدست آمدن محصول سال آینده کاملاتامین نشده ازصدور گندم جلوگیری بعمل بیاورند ـ

جمعیت آذربایجان

وارده

اداره روزنامه آذربایجان متمنی است درصورت قبول درشماره اول‌خود این مقاله را درج فرمایند .

اکنون که دوره استبداد سپری شده وجامعه از آزادی دم میزنند هرفرد درحدود وظیفه خود می‌تواند نظریاتی که بنفع ویا ضرر جامعه تماس میکند اظهار نظر نماید بنده نیز درنوبه خود ناچار شدم در اطراف لایحه مضاعف نمودن حقوق مستخدمین و اینکه تنها طبقه مستخدمین مورد توجه اولیای امور شده و بسایر طبقات توجهی نمی شود تذکراتی بدهم :

البته اضافه نمودن‌حقوق‌مستخدمین جزء که نمی توانستند مخارج ضروری خوددا تامین‌نمایند خیلی بموقع‌وضروری است ولی‌اضافه نمودن حقوق مامورین بلند پایه که عایدات شخصی داشته ودر عین‌حال مقامهای مهم وپرنفعی رااشغال نموده اند تحمیل بیشتری بر این ملت بیچاره بوده وبسا بیموقع وموجب تعجب است پرواضح است که علت این‌پیشنهاد این است که همان مامورین بلند پایه فعلا نیز مصدر کار بوده چنین لوایح رایکی پیشنهاد ودیگری‌تصویب مینماید.

آیا این اشخاص سابقا در مقابل کدام خدمت برملت وبر مملکت دارای این مقام ومستحق این حقوق گزاف شده اند که فعلا نیز دراثر حسن‌خدمت خود بحقوق‌آنان افزوده بشود ؟ مگر این آقایان اشخاصی نمی‌باشند که بیست سال تمام ملت را چپاول نموده وفعلا نیز سنك وطن بسینه خود زده بیشرمانه اعتراف میکنند که هرچه تاکنون‌مصرف شده بیجا بوده و بهدر رفته است مگر متصدیان امور خرابکاریهای خودرا نمی دانند ودرك نمی کنند که هرشخص که وظیفه خودرا صادقانه و موافق وجدان انجام ندهد ارزشی نداشته و مستحق مزد ومقام واحترام نمی باشد .

می توان گفت که اضافه‌نمودن‌حقوق برحسب احتیاج مامورین نبوده بلکه با تناسب مقام آنان عملی گردیده است روشن و مسلم است که ادنی توجهی به احتیاج وبدگذرانی وتنگدستی مامورین کوچك نگردیده است . حال دیگر دوره عصر فرخنده و مشعشع که مورد استهزاء شده است نیست که مردم را با عبارات‌بی‌اساس عطایا وهدیه‌های ملوکانه فریب دهند . مخفی کردنی نیست که این اضافه حقوق نه برای آن است که وضعیت زندگانی مامورین کوچك تامین شود بلکه بهانه وعنوانی است که مفت خوران سابق مبلغی بحقوق خود افزوده یك کاسه دیگر ازخون جگرفقرا وبیچارگان بنوشند . آیا دیگر این نقشه‌های بوالهوسانه بپایان نرسید . آیا بازمقدرات ملت پس‌ازبیست سال بندگی وبردگی مطابق‌آمال وآرزوی اشخاصی که نمونه دوره عصر فرخنده هستند حل و فصل خواهد شد ؟.

معلوم است که زارع مادامیکه مزرعه خودرا کود نداده ودانه برآن نکاشته وبرای پرورش دانه زحمات‌زیاد نکشیده و مبالغی هنگفت خرج ننموده است امیدبرداشت نفع‌نداشته وجزئی‌سود ازآن‌نمیتواند بردارد. آیا مامورین دولت ازین تجار کم سرمایه وبی‌متاع واین کارگران لخت وبینوا واین صنعتگران آواره وسرگردان واین زارعین پابرهنه وعریان چه میخواهند وازین مزرعه بی بذر امید سود دارند ؟ این اشخاص بطوریکه دردوره گذشته معلوم گردید جز صرفه خودشان فکر نکرده وصلاح جامعه را نمی‌نگرند .

من آن اشخاص را مخاطب قرار داده باصدای بلند میگویم : ای‌آقایان رحم کنید انصاف نمائید وازیخه مظلومان دست بردارید شماها جبرا بماملت بیچاره تحمیل گشته اید . ای وکلای فرمایشی که‌مامورین کلانتریهاوامنیه‌هابرای‌انتخاب شما ازاین ملت بدبخت ومظلوم بزور رای می گرفتند حالا ملت از زیر بار استبداد آزاد شده وکلای قانونی و درستکار را خواستار است وشمارا فاقد اعتبار می پندارد . ای ستمدیدگان و ای ملت مظلوم جمع شوید وبرای‌طرد این دزدان وگرگان جامعه فکری‌نمائید ومخصوصا شماراادعوت میکنم که‌باجمعیت آذربایجان که با نیت پاك برای اصلاح جامعه قیام کرده است همکاری نمائید تا آزادی‌کامل درجامعه برقرارشده ومرام نامه پنجگانه جمعیت آذربایجان عملی گشته آسایش عمومی تامین‌گردد .

حمید داراناشی

قند و شکر

جمعیت آذربایجان با در نظر گرفتن این هرج و مرج قند وشکر وبنا بخواهش بعضی از مقامات مربوطه وسیلهٔ بسیار سهلی‌تهیه‌وبجامعهٔ خود تقدیم وبدین واسطه‌خدمات لازمه را انجام واجرای مرام مینماید .با ترتیب‌دادن این ورقه که‌ذیلاشکل‌آنرا‌ملاحظه میفرمائید بنظر جمعیت آذربایجان هرج ومرج قند وشکر خاتمه خواهد پذیرفت اگر اشکالی‌بنظر قارئین‌محترم رسیده ویاترتیب‌بهتری برای بهبودی وضعیت قند بفکرشان برسد کتبا باداره روزنامه بفرستند

ورقهٔ قند و شکر

شماره .... تبریز

بموجب این ورقه آقای .... خانم .... دارندهٔ شناسنامهٔ شماره .... میتواند درهرماه مقداریك کیلو قند از شعبهٔ شماره .... قند وشکر خریداری‌نماید .

۱ — صاحب این ورقه در هرماه یکی از قطعات سوراخ شدهٔ ذیل راکه بجای پته‌است برده قند یاشکر خود را اخذو ورقه‌رابفروشنده تسلیم‌مینماید .

۲ — فروشنده باید پس از تسلیم جنس بروی آنماه با مهر باطله که شمارهٔ شعبه را نشان میدهد زده و در مقابل قند یا شکر تحویل شده بموسسهٔ قند و شکر تسلیم نماید والا بمقدار جنس‌که از موسسه اخذ نموده مسئول است .

۳ — پس از اتمام قطعات دوازده‌گانه صاحب ورقه باقی ورقه را آورده و ورقهٔ جدیدی اخذ خواهد نمود.

مهر ماه ۱ کیلو	شهریور ماه ۱ کیلو	مرداد ماه ۱ کیلو	تیر ماه ۱ کیلو	خرداد ماه ۱ کیلو	اردیبهشت‌ماه ۱ کیلو
فروردین ۲۰ ۱ کیلو	اسفند ماه ۱ کیلو	بهمن ماه ۱ کیلو	دی ماه ۱ کیلو	آذر ماه ۱ کیلو	آبان ماه ۱ کیلو

تبصره ـ این ورقه با دستیاری سه نفر توزیع خواهد شد : اول نویسنده از روی شناسنامه ورقه‌را تنظیم خواهد کرد . ۲ ـ امضا کننده نمرهٔ سجل را با ورقه تنظیم شده تطبیق و پشت هر یك از قطعات دوازده‌گانه را امضاء خواهد کرد . ۳ ـ مهرزن نیز نمرهٔ ورقه را با سجل تطبیق کرده و زیر امضا های قطعات را مهر خواهد کرد .

☆☆☆

البته این پیشنهاد در صورتی عملی شده ومنتج نتیجه خواهد شد که در هر بخش بقدرکافی شعبات فروش‌قند گذاشته شده و مراقبت در انتظام و بررسی این اوراق بشود . امید است که شرکت قند وشکر این موضوع را هرچه زودتر مراعات خواهد نمود .

آذربایجان

مکتوب سرگشاده

اداره روز نامه جمعیت‌آذربایجان

بطوریکه مرسوم ومعمول‌به‌ابنای بشر درتمامی ازمنه بوده در مواقعیکه یك‌ادبار ویك مصیبت بیکی‌ازافرادجامعه وارد میشود دوستان وآشنایان واقربای آن‌شخص‌بمفاد بنی آدم اعضای یکدیگرند عمل نموده برای تسلی خاطر وتخفیف غم والم او دور آن‌شخص جمع شده با تشریك مساعی واظهار همدردی وباوسایل مقتضی دیگر موجبات تسکین خاطر و ترمیم قلب شکسته اورا فراهم میاورند برعکس همشریهای محترم ما آنهائیکه پروردهٔ این آب وخاك بوده و سالیان متمادی باناز ونعمت دراین شهر متنعم وجمله مقدس **حب‌الوطن من‌الایمان** را با خلوص نیت ازحلقوم جاری‌وسنك وطن را سه ضربه بسینه زده وخودشان را مظهر قدس ودیانت معرفی میکردند در این روز های تاریخی پشت به همشریهای خود نموده وهر روز وهر ساعت راه دیار دیگررا پیش‌گرفته و هیچ بفکراین نمی‌افتند آنهائیکه دراین شهر باقی مانده وباچشمهای حسرت به سوی ما نگرانند برادران و خواهزان نوعی‌ما بوده وشایسته فتوت وآزادمردی چنین اقتضا میکند که ازجبن وبزدلی اجتناب نموده با باقیماندگان شهر وآن هائیکه این مرز وبوم را برای خودشان خانه‌آباد و اجدادی میدانند درغم وشادی وبیم وامید انباز بشوند !!!

در این صورت با تصدیق مراتب مزبوره تمنی مینمایم درصورت اقتضاء نام و نشان آن آقایانیکه با فرار کردن ازشهر تبریز پشت با بعاطفه‌زده و داغ زنبقی (**فرار**) مادام‌العمر در پیشانی آنها خواهد درخشید جهة عبرت سایرین درجریده شریفه خودتان درج فرمایند . ط .

☆☆☆

دراین موضوع بعدا بطور تفصیل اظهار نظر خواهیم نمود .

آذربایجان

حقیقتی اولان کوچك حکایه‌لر ۵

« بو ستوندا همیشه برپاره »
« ایشلر که جامعه‌ده اتفاق دوشوب »
« و قابل توجه درلر درج اولنه‌جاق »
« بو موضوعده کناردن گلن »
« مقاله‌لری‌ده قبول ایدوب حك »
« و اصلاح و درجنده روزنامه »
« اداره‌سی مختار در . »

وطن آرسن لوپنی

آلد یغمز اطلاعه گوره نچه گون بوندن اول بو حکایه اتفاق دوشمشدر : بر حاجی سحر ایویندن چیخار ایکن خانمی حاجینون قالایچی دکانته گیدوب ایوین مس قابلارینون آغاریلماقی ایچون قالایچی ایله دانشماقی اونا سفارش ایدز حاجی ایودن چیخوب قالایچی دکاننه گیدر قالایچی ایلن قابلاری آغارتماق موضوعنده دانیشیر . چوق دانیشیق دن صونرا حاجی ایله قالایچی‌نین سوداسی دوتمیوب حاجی اوز ایشینین دالینجا گیدیر.

حاجی ایله قالایچی دانیشدیقی اثناده نچه نفر شهرین بیکارلریندن اونلارین دانیشدیقین ایشدوب ، ایشدن خبر دار اولمشدرلر . اونلارین معامله سنین باش‌دوتماماقینی گورنده فورا برتلیس توربا تاپوب حاجنین قاپوسنه گیدیرلر اونلارون بریسی قالایچی شاگرد رولینی قبول ایدیر ! تلیس تورباني چگنینه آتوب حاجینین قاپوسینی دوگور . حاجنین خانمی قاپونی آچوب کیم اولدیقنی سئوال ایدیر ؟ قالایچی شاگرد رولینی اوینایان چوخ ملایم و آرام برطوریله جواب ویریر :

— خانم من کوچه باشیندا کی قالایچی‌نون شاگردی‌یم آقا منی یوللادی قابلاری دکانه آپاروب آغارداخ .

خانم بو سوزی اینانوب قابلارین هاموسینی ایودن یغشدیروب وطن آرسن‌لوپننه ویریر .

آقشام چاقی حاجی ایوه قایدیر - خانم قابلارین‌نه ایچون گتیرمه گینی سئوال ایدوب دیور بو گیجه شام یمگه حتی قابمیز یوخدر - لازمدر ایندی گیدوب قابلاری گتیره‌سن . حاجنین گنه اوز گه برشی خیالینه گلمیوب اوز یانندا فکر ایدیر که ممکن‌در او بازاره گیتدیکدن صونرا قالایچی او ویردیگی قیمته راضی اولوب قابلاری آغارتماقا آپارو یدور فورا باش آچیق ایو پالتاریندا قالایچی نین دکانینه گیدیر قالایچی قابلاری گتیر‌مکدن بی‌اطلاع اولدیقنی حاجیه دیور حاجی ایله قالایچی آراسندا بیوك بیر مجادله قاوزانیر بو اثناده وطن آرسن لوپنی فرصتدن استفاده ایدوب ایکنجی دفعه حاجنین ایوینه گیدیرلر . قالایچی شاگرد رولینی اوینایان قاپونی دوگوب دیور :

- حاجی دیور منیم تازه پالتار-

لاریمی و بورکیمی ویرسونلر کلانتریه گیدیورم .

خانم حاجنین بورکی ایله پالتار-لارینی وطن آرسن لوپننه ویریر . بر آز صونرا حاجی ایوه قایدوب بورکی ایله پالتارلارینون گیتمسنی‌دها ایشیدیور..

☆☆☆

بز بو (وطن آرسن لوپن‌لرین) بیکارلوق نتیجه‌سنده عمله گلدیگنی بیلوب هموطن لریمزه کارخانه لری آچوب یا آیری بیر وسیله‌ایله اونلاره ایش‌تاپماقی و بیکارلوقی رفع ایتمك ایله شهرین امنیتنه یاردیم ایتمه‌لرین توصیه‌ایدیریز .

آذربایجان

حـال مجلسی

هر کیم گلرسه گلسون میدان گنه بیزیم دور — دور چال قاوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
قاجار دوره سینده بزده اولوردی هر ایش — مداح اولوردی اوندا جمله گدا و درویش
هر کس داداردی بیزدن مین جوره رنجه‌وریش — ایمدی گنه همان دور هریان گینه بیزیم دور
دور چـال قـاوالی اوینـا دوران گنـه بیزیم دور

اوندا گر ایسته سیدوخ هر کندی تیز آلاردوخ — ایرانی هرطرفدن یکسر چالوب چاپردوخ
گاهی وزیر اولوردوخ گه راحته قالیردوخ — هرنگه دوشسه دنیا جانان گنه بیزیم دور
دور چـال قاوالی اوینـا دوران گنـه بیزیم دور

مشروطه اولدی ایران اولدوخ وکیل ملت — بیـز راحته یتشدوخ ملت قازاندی ذلت
قـانونی بیز دوزتدوخ بر نفع مـا و دولت — باخ گور که هر زماندا سامان گنه بیزیم دور
دور چـال قـاوالی اوینـا دوران گنـه بیزیم دور

اولدی عوض حکومت گلدی بیر آیری‌سلطان — قاجار گیتدی گلدی بیر شاه آدی رضا خان
اول آتیلدی دوشدی گلدی صورا بزه یـان — اوندا هامی چیقردوخ میدان گنه بیزیم دور
دور چـال قـاوالی اوینـا دوران گنـه بیزیم دور

شاه آلدی کندی بیزله هرایشده شرکت ایتدی — بیزتك تمام ملکی زوریله سرقت ایتدی
آخر ده پیشوامز اولـدی مرامـه یتدی — بیز دوره‌دن دیوردوخ هریان گنه بیزیم‌دور
دور چـال قـاوالی اوینـا دوران گنـه بیزیم‌دور

تجار و مالک اولدی مـالك رقاب ملت — گاهی وزارت ایتدی گاه اولدی رکن دولت
اولدوخ وکیل مجلس اولدوخ رئیس شرکت — قربان گنه بیزیم دور بریان گنه بیزیم دور
دور چـال قاوا لی اوینـا دوران گنـه بیزیم دور

دوران پهلوی ده تثبیت نـرخ غلـه — تشکیل اولوندی بیزدن پخش اولدی هرمحله
مایـدوخ وجو بینه میـن برهـا نیله ادلـه — معلوم دور همیشه برهـان گنه بیزیم دور
دور چـال قـاوالی اوینـا دوران گنـه بیزیم دور

مـالـك لـره آچـیلدی تثبیت آدیلـه دکان — دوقوز تومانی ساتدوخ اون دورت تومانه هرآن
کم کم یوخاری گیتدی تا اولدی اللی تومان — گیز لینده آشکاردا فرمـان گینه بیز یمدور
دور چـال قـاوالی اوینـا دوران گنـه بیزیم دور

ایمدی که ایش دکیشدی مطلب گنه همان دور — هر یرگینه بیزیمدور هر سر بیزه عیان دور
قوی آدین آیری‌بیر زادکشف ایلمه اماندور — هر یاندا حکمران اول عنوان گینه بیزیمدور
دور چـال قـاوالی اوینـا دوران گنه بیزیـم دور

تثبیت آدیله آلـدی بوغدا اون آلتی تومان — صون ملتـه یدیرتدی خروارین اللی تومـان
گوردوخ بوظلمی لیکن بیز اولمادوخ هراسان — چون قیمت اولسا هرنه دکان گنه بیزیم دور
دور چـال قـاوالی اوینـا دوران گنه بیزیـم دور

بو دوره ده نـه یاخشی تاپـدوخ موفقیت — هیچ قویمادوخ که اولسون بوغداده کسر قیمت
یوخسول گرك دی چکسون هریاندا بارذلت — قوی تاپما سونلا درمان درمان گینه بیزیمدور
دور چـال قـاوالی اوینـا دوران گنـه بیزیم دور

بـاجـادان بـاخـان

راجع به موضوع نخ

بطوریکه خاطرخوانندگان محترم از وضعیت نخ مستحضرند که هزارها نفر کارگر فدای مطامع شخصی شده واز کار بازمانده اند مقـاله مفصلی رسیده و در شمـاره بعد خواهیم نگاشت .

اخبار شهری

ورود

سرکار سرهنك عبداله سیف که سابقا نیز در آذربایجان مشغول انجام وظیفه بودند در این اواخر وارد تبریز شده اند .

امید واریم نظر بعلاقه‌ایکه ایشان نسبت بخاك آذربایجان دارند در انجام تقاضاهای‌قانونی جامعهٔ آذربایجان مساعدت لازمه را خواهند فرمود . آذربایجان

☆☆☆

از قرار اطلاعی که بدست آمده سرکار سرهنك غلامعلی ملك‌الکتابی نیز بسمت ریاست امنیهٔ استان ۳ واردتبریز شده اند .

مسابقه های اجتماعی

از شماره های بعد در روز نامهٔ آذربایجان یك‌سلسله مسابقه‌های اجتماعی نوشته خواهد شد . آقایان ارباب فکر و مطالعه را دعوت میکنیم که در این مسابقه‌ها شرکت نمایند تـا بدین وسیله وضعیت جامعه کاملا خلاجی شده و بتوان راه چارهٔ صحیح برای آن پیدا نمود .

بخوانندگان عزیز

گرچه نطق آقای ملایری راجع به کشته شدن سید بزرگوار آقای مدرس را روز نامه های مرکز درج نموده و هموطنان محترم تاحال خوانده اند ولی نظر بر اینکه این موضوع در تاریخ اجتماعی وسیاسی ایران یك‌نکته برجسته بوده ودر حقیقت خلاصه تاریخ جنایات دوره حکومت سابق‌میباشد وهرفرد از افراد باید یکنسخه از آنرا داشته باشد لذا درشماره بعد عین نطق مزبور را درج خواهیم نمود .

اخطـار مهـم

هیئت آکتورال جمعیت آذربایجان تشکیل شده ودر آتیه نزدیك نمایشات قابل توجه خودرا بمعرض تماشا خواهند گذاشت‌البته غفلت نفرمائید که‌این‌نمایشات بهترین آئینه افکارواوضاع‌جامعه میباشد

تمنـی

ازآقایانیکه مایل‌باشتراك روزنامهٔ آذربایجان هستند تمنی میشود که تقاضای کتبی باداره‌ٔ روزنامه بفرستند .

دفتر آذربایجان



هرکیم گلیرسه گلسون میدان کنه بزیم دیر
دومرچالی قاوالی اوینادوران گنه بزیم دیر